

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد
بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

نزد هم می 2013

هدیه

طوفان خشم در باغستان دلم ظالمانه راه جُست و از درختان طراوت آفرین امیدم، شگوفه های رنگین عشق بر خاک ریختند. شاخه های سبز و نارس رویاهایم نفیر شکستن را سر دادند و پرنده خوشرنگ و نغمه سرای آرامشم، آشیانه اش را رها کرد. کتاب سرگذشتم را عنکبوتهای غم محصور کردند و سرود و قصه و افسانه های من تاراج دست فراموشی گشت. در دستانم شرابین گرم مهر خشکیده است و نگاهم چون امواجی که پس از غرش آرام گیرند، دیگر هیاهوی طوفانی تبیدن را در کرانه های سکوت سپردند. اکنون به ارزشمندترین یادگاری می اندیشم که روی ایوان دل، چون شمع نیمه جان هستیم، بی انصافانه میسوزد. به یادگاری می اندیشم که آن روز نخست آشنائی در باورم گذاشتی. به آن قول وفاء و عهد و پیمانته می اندیشم که انکار گردید و بالهای یقینم را ظالمانه سوخت. آه! چنان مهجورم که اوقیانوسها در ماتم کاستی می نمایند، ولی هنوز در گذرگاه تیره رنج و ملالم گل امید دانه دانه میروید.

(ناهید "غزل" غنی زاده)